

سقوط سیاسی میز کتاب آمستردام

بدین وسیله ما- فعالین سازمان فدائیان (اقلیت) در هلند - به اطلاع نیروها و فعالین سیاسی هلند و سایر کشورها می‌رسانیم که از تاریخ دسامبر ۲۰۰۶، هیچگونه مناسبات سیاسی با میز کتاب آمستردام که به سلسله اشتباهات فاحش سیاسی در غلطیده است، نداریم. از دسامبر ۲۰۰۶ تا کنون دو اطلاعیه با امضای میز کتاب صادر شده که در یکی از آنها اتهام سنگینی به یک سازمان کمونیست زده شده و پس از انتشار دومین اطلاعیه‌شان، به یک رسانه متعلق به رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی متوسل شده‌اند تا اتهامات واهی‌شان را منعکس کند. این لغزش‌های فاحش سیاسی، میز کتاب آمستردام با ترکیب جدیدش را به سرعت و در مدت کوتاهی به سقوط سیاسی کشاند.

نخست، اتهامات واهی، بی پایه و اساس سیاسی در نوشته مورخ دسامبر ۲۰۰۶ با ۵ امضا (*) سرهم بندی و به سازمانی که ما از آن هواداری می‌کنیم، زده شد. در این نوشته نازل سیاسی که به فرصت‌طلبی، انگیزه‌های ناسالم و محفلیسم تنگ‌نظرانه نیز آغشته است، اتهام بی‌پایه "مشارکت در طرح‌های امپریالیستی" به سازمان ما نسبت داده شد. امضاکنندگان وقیحانه، کوشیدند ۳۶ سال مبارزه و مواضع ضد امپریالیستی، ضد سرمایه‌داری سازمان ما را آماج اهداف کین‌توزانه و غیر سیاسی خود قرار دهند و ضدیت کور خود را به نمایش بگذارند.

این که نویسندگان آن متن، نازل‌ترین سطح آگاهی و شعور و پرنسیب سیاسی را در نگارش به کار گرفته‌اند، مورد بحث ما نیست. چرا که امروزه سطح آگاهی و بینش مارکسیستی در جنبش کمونیستی ایران بالاتر از آن است که بخواهد تحت تاثیر جو شانتاز و اتهامات بی پایه قرار گیرد. افراد آگاه و با شعور سیاسی، قادرند با دانش و آگاهی خود، مواضع و خط مشی سازمان‌ها و احزاب را مبنای ارزیابی‌شان قرار دهند و از آن طریق، دوری یا نزدیکی سازمان‌ها و احزاب به امپریالیسم را محک بزنند، نه از روی ترشحات انگیزه‌های ناسالم و دشمنی کور سیاسی.

اگر امضاکنندگان خواهان اطلاع از مواضع سازمان ما در باره اتهامات وارده بودند، حتما تکذیبیه سازمان ما را که در جلسه پالتاکی اکتبر ماه ۲۰۰۶ ارائه شد و هر گونه ارتباط با شهرزاد نیوز را رد کرد، شنیده‌اند. در آن جلسه، اتهامات وارده از سوی کسانی که آن زمان با اسم جعلی و یک بار مصرف و عده‌ای معلوم‌الحال نوشته شده بود، جواب داده شد. اما مساله امضاکنندگان در واقع این نبود. مساله، دشمنی کور و غیر قابل مهارشان است که هر روز آنها را به لغزش‌های سیاسی جدیدی می‌کشاند.

نیروهایی که قادر به مهار دشمنی‌های سیاسی خود با سازمان ما نیستند، فرصت‌طلبانه و قلدرمابانه، همان اکاذیب را تکرار کردند و ناشیانه و به شکل رقت‌باری، سعی کردند یک پروژه مطبوعاتی بین‌المللی زنان را به سازمان ما بچسبانند و در این راه از هیچ افترا و جوسازی و پیچ‌پچی نیز فروگذار نکردند. با اسم مستعار، داستان سرهم کردند و با اسامی سازمانی به آن اسم مستعار "استناد" کردند. اگر دشمنی کور نبود، این امضاکنندگان برای "تحقیق" خود، به جای افترا و وارد کردن اتهام سنگین سیاسی به یک سازمان کمونیست، به پرس و جو از سازمان‌ها و موسسات معتبر هلندی دست می‌زدند. اما چرا چنین نکردند؟ هراسشان از چه بود؟

علاوه بر اتهام بی‌پایه‌ای که به سازمان ما زده شده است، یکی از فعالین ما در هلند به واسطه کار مطبوعاتی و شرکت در کنفرانس‌های مطبوعاتی بین‌المللی، مورد اتهام قرار گرفته است. همان رفیقی که به واسطه شغل مطبوعاتی‌اش، امکان حضور آنها را در جلسه مخفی سخنرانی فائزه رفسنجانی در دانشگاه لیدن فراهم کرد! همان رفیقی که ۲ سال پیش در رادیو پژواک، در مصاحبه ۱ ساعته‌ای

هیات‌های نمایندگی در اجلاس سازمان‌های بین‌المللی تونس و سوئیس را افشا کرد. همان رفیقی که علیه رژیم و عواملش در خارج و در جلسه علنی ۱۰ دسامبر ۲۰۰۴ در هلند (همان جلسه‌ای که امضاکنندگان امروز، افتخار حضور و افشاگری علیه عوامل رژیم را ندادند) که در آن دو خردادی‌ها در یک جلسه ۲۰۰ نفره انقلابیون را زیر حمله گرفته بودند، دست به افشاگری زد. همان رفیقی که سال گذشته به مدت ۳ ساعت از رفت و آمدهای رژیم و تلاشش در آلوده کردن فضای سیاسی در خارج کشور در جلسه بحث اتاق اتحاد انقلابی، سخنرانی و گزارش کرد. اما چه شده که امروز، اتهامات واهی و ردیالانه زده می‌شود؟ به راستی کدام مقاصد سیاسی در پشت این اتهامات واهی پنهان شده است؟

گذشته از موارد فوق، نمونه‌های متعددی هستند که ثابت می‌کنند که اتفاقاً دغدغه امضاکنندگان، برخلاف ادعایشان، بررسی مشارکت و همکاری با امپریالیسم نبوده و نیست. اگر می‌بود، باید شاهد برخوردهای آن‌ها به موارد متعددی می‌بودیم. مواردی که تاکنون آنها در مقابل‌شان سکوت کرده‌اند. امضاکنندگان، به سازمان ما اتهامات بی‌پایه می‌زنند، اما نمی‌گویند که اکثریت آنها (کانون زندانیان سیاسی در تبعید واحد هلند، سازمان ۱۹ بهمن و فعالین چریک‌های فدایی خلق ایران - هلند) که سابقاً همگی در دوره‌های مختلف نماینده چریک‌های فدایی خلق بودند و در تشکیلی به نام "انجمن دانشجویان ایران در هلند - هوادار چریک‌های فدایی خلق ایران" فعالیت می‌کردند، از کجا سوبسید دریافت می‌کردند؟ قطعاً از پرولتاریای هلند نبوده است.

امضاکنندگان نمی‌گویند نظرشان در باره کمک‌های مالی که سازمان‌ها و احزاب مادرشان از دولت بعث عراق و در دوران حکومت صدام دریافت می‌کردند، چه بوده است؟ مثلاً کمک مالی دولت جنایتکار و وابسته به امپریالیسم صدام و حزب بعث عراق به چریک‌های فدایی خلق ایران را چگونه توجیه می‌کنند؟

اگر تمام امضاکنندگان ندانند، قطعاً باید سازمان ۱۹ بهمن و فعالین چریک‌های فدایی خلق ایران - هلند از "پروژه" تدوین تاریخ شفاهی سیاه‌کل بدانند و باخبر باشند. آن را چگونه توجیه می‌کنند؟

البته هیچ یک از نمونه‌های بالا، از نظر ما اتهامی را به سازمان و حزبی وارد نمی‌کند زیرا مبنای سنجش ما از دوری و نزدیکی به امپریالیسم، مواضع سیاسی و خط مشی جریانات است. اما باید دید چرا با دروغ و افترا، انگلی به سازمان ما زده می‌شود اما با موارد واقعی با سکوت برخورد می‌شود؟ هدف از ذکر این نمونه‌ها این است که نشان داده شود که مساله امضاکنندگان و میز کتابشان، غیر سیاسی است و با غرض‌ورزی‌ها، رقابت‌ها و انگیزه‌های نامعلوم و خطرناک نیز همراه است.

مورد دوم، به اقدام خطرناک و مشکوک چند روز اخیر برمی‌گردد. اقدامی که دیر یا زود، اثرات مهلک‌اش دامن سایر جریانات انقلابی را نیز خواهد گرفت. امضاکنندگان که اکثراً در واحدهای تک‌نفره‌شان قادر به بازبینی خطای فاحش سیاسی خود نیستند، از آن جا که قادر به مهار انگیزه‌های ناسالم سیاسی خود نیستند، در اقدام جدیدی، اطلاعیه‌های اخیرشان را برای سایت پازتاب که محسن رضایی جنایتکار فرمانده سابق سپاه پاسداران مسئول آن است فرستادند. مسئول تبلیغات این جریانات، دست به دامان محسن رضایی جنایتکار و سایت‌اش می‌شود تا اتهامات بی‌پایه‌شان به یک سازمان کمونیست را برایشان درج کند. وی در تاریخ ۷ ژانویه سال جاری، ای میلی به ۱۴ آدرس ارسال کرده است. در ای میل ارسالی، ۱۲ آدرس متعلق به سازمان‌های سیاسی و سایت‌های سیاسی اپوزیسیون (کومله، بروسکه، کانون زندانیان سیاسی در تبعید، گفتگوهای زندان، چریک‌های فدایی خلق ایران، توفان، سازمان فدائیان - اقلیت، حزب کمونیست ایران، ۲ آدرس سایت گزارشگران و سایت روشنگری

و سازمان کومله حزب کمونیست) است و ۲ آدرس دیگر هر دو، متعلق به سایت بازتاب است که مسئولش محسن رضایی، جنایتکاری است که فرماندهی سپاه سرکوب را به عهده داشت.

این است آن مسیری که میزکتاب آمستردام در ترکیب جدیدش و طی هفته‌های اخیر در پیش گرفته است! مسیری که به سرعت و تنها در دو حرکت، آنها را به بی‌اعتباری و سقوط سیاسی کشاند.

فعالین سازمان فدائیان (اقلیت) - هلند

۱۰ ژانویه ۲۰۰۷

(* ۵ امضاکننده و ترکیب جدید میزکتاب از تاریخ دسامبر ۲۰۰۶ : ۳ امضا متعلق به " فعالین چریک‌های فدایی خلق ایران - هلند"، " هواداران حزب کار ایران (توفان) - هلند" و کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید) - هلند است که واحدهای محلی محسوب می‌شوند. دو امضای دیگر، یکی "سازمان ۱۹ بهمن" است که سابقاً نماینده چریک‌های فدایی خلق ایران در هلند بودند، اما سال گذشته از آنها جدا شدند. آنها در آکسیون‌های اعتراضی که علیه کشتار و سرکوب در ایران در خرداد و سپتامبر سال جاری برگزار شد، شرکت نکردند چرا که معتقدند آکسیون‌های اعتراضی تاکنونی نتوانسته ۴۰ هزار ایرانی مقیم هلند را به خود جذب کند!! البته این "سازمان" در طراحی "بحث و گفتگو"های اخیر میزکتاب، پس از غیبتی طولانی، اخیراً فعال شده‌اند. امضا دیگر، "انقلابیون کمونیست" است که نامی است که یکی از فعالین سیاسی در هلند، برای اجتناب از به کار بردن واژه "منفرد" در اتحاد عمل‌های سیاسی، استفاده می‌کند و طبیعتاً فاقد ارگان و مواضع رسمی است.